نام: ..... تاریخ: .....

تقدیر و انتخاب من

درس 8 · ایمان به قدر

📖 داستان: تقدیر و انتخاب من

با هم، بخش به بخش بخوانید.

بخش 1 – «به هر حال نوشته شده»

حمزه شانزده سال دارد و فردا امتحان برق دارد. با گوشی روی مبل دراز کشیده. عمویش کریم می‌پرسد: «درس نمی‌خوانی؟» حمزه شانه بالا می‌اندازد. «خدا از قبل می‌داند قبول می‌شوم یا نه. به هر حال نوشته شده.» عمو کریم روزنامه‌اش را کنار می‌گذارد. «می‌توانم داستانی بگویم؟» حمزه آه می‌کشد ولی سر تکان می‌دهد. «روزی مردی نزد پیامبر آمد. پرسید: شترم را ببندم و به خدا توکل کنم، یا رها کنم و به خدا توکل کنم؟ پیامبر پاسخ داد: آن را ببند و توکل کن.» حمزه سر از گوشی بلند می‌کند.

⋆ شترت را ببند و به خدا توکل کن.

امتحان = آزمون بزرگ · **بستن** = با طناب محکم کردن

بخش 2 – خدا می‌داند، تو انتخاب می‌کنی

عمو کریم می‌گوید: «خدا همه چیز را می‌داند. گذشته، حال و آینده را. هیچ چیز بی‌خواست او رخ نمی‌دهد. این قدر است، تقدیر. ولی خدا به ما آزادی انتخاب هم داده. تو انتخاب می‌کنی درس بخوانی یا نه. برای همین مسئول کارهایت هستی.» حمزه فکر می‌کند. «پس خدا می‌داند من چه انتخاب می‌کنم، ولی به جای من انتخاب نمی‌کند؟» «بسیاری از دانشمندان همین‌طور توضیح می‌دهند. دانستن مجبور کردن نیست. معلم خوب می‌تواند حدس بزند چه کسی قبول می‌شود، ولی امتحان را به جای تو نمی‌نویسد.» حمزه گوشی را کنار می‌گذارد. کتابش را از کیف درمی‌آورد.

⋆ خدا همه چیز را می‌داند، ولی تو مسئول انتخاب‌هایت هستی.

تقدیر = هر آنچه خدا می‌داند و می‌خواهد · **مسئول** = کسی که باید پاسخگوی کارش باشد

بخش 3 – پس از امتحان

دو هفته بعد حمزه نمره‌اش را می‌گیرد: دوازده از بیست. درخشان نیست، ولی قبول شده. دوستش مهدی خیلی درس خوانده بود و باز هم رد شد. عصبانی و ناراحت است. می‌گوید: «چرا من؟» حمزه نمی‌داند چه بگوید. یاد حرف دیگری از عمو کریم می‌افتد: «بهترین تلاشت را بکن. بعد هر چه شد، با صبر بپذیر. شاید خیری در آن باشد که هنوز نمی‌بینی.» آن را با زبان خودش به مهدی می‌گوید. قرار می‌گذارند هر چهارشنبه برای امتحان دوباره با هم درس بخوانند. در مرداد مهدی با پانزده از بیست قبول می‌شود.

⋆ بهترین تلاشت را بکن و نتیجه را با صبر بپذیر.

رد شدن = قبول نشدن در امتحان · **امتحان دوباره** = فرصت دوم برای امتحان

💬 **بیایید گفت‌وگو کنیم:** مردم کی «به هر حال نوشته شده» را بهانه می‌کنند؟ فرقش با توکل به خدا چیست؟

💡 **آیا می‌دانستی؟ – توکل: سپردن کار به خدا**

- ایمان به قدر ششمین رکن ایمان است.
- توکل یعنی هر چه از دستت برمی‌آید انجام دهی و بعد نتیجه را به خدا بسپاری.
- وقتی اتفاق بدی می‌افتد، مسلمانان می‌گویند: قدّر الله و ما شاء فعل، خدا مقدر کرد و هر چه خواست کرد (مسلم).

📖 **حدیث**

ترمذی

اعْقِلْهَا وَتَوَكَّلْ

«آن را ببند و به خدا توکل کن.»

تقدیر و انتخاب من

درس 8 · پرسش‌ها و نوشتن

✓ پرسش‌ها

پاسخ درست را علامت بزن.

1. حمزه فردا امتحان چه دارد؟

- ◯ فرانسه
- ◯ برق

2. حمزه به جای درس خواندن چه می‌کند؟

- ◯ با گوشی است
- ◯ فوتبال بازی می‌کند

3. پیامبر درباره شتر چه گفت؟

- ◯ ببند و توکل کن
- ◯ رهایش کن

4. تقدیر به عربی چه نام دارد؟

- ◯ قبله
- ◯ قدر

5. حمزه از بیست چه نمره‌ای می‌گیرد؟

- ◯ هشت
- ◯ دوازده

6. مهدی کی قبول می‌شود؟

- ◯ در آذر
- ◯ در مرداد

⋆ **به یاد بسپار:** بهترین تلاشت را بکن، بعد به خدا توکل کن.

✍ فکر کن و بنویس

در چند جمله پاسخ بده.

1. فرق توکل به خدا با هیچ کاری نکردن چیست؟

.....

.....

.....

2. وقتی مهدی رد شد، تو به او چه می‌گفتی؟

.....

.....

.....

بازی‌ها

درس 8 · تقدیر و انتخاب من

🍡 جدول واژه‌یابی

واژه‌ها را پیدا کن: از راست به چپ و از بالا به پایین.

ی	ف	ع	چ	ذ	خ	م	ف	ط	ن	و
ث	ط	ف	د	ظ	ر	ی	د	ق	ت	ز
ص	م	پ	ض	س	غ	ط	ا	ش	ف	س
ن	ا	ح	ت	م	ا	ر	ل	ص	ظ	ک
ذ	ی	د	ه	م	ز	ب	ذ	ب	ح	گ
ک	ا	ب	ا	خ	ت	ن	ا	ر	ح	ظ
ج	ل	ل	ن	ل	خ	س	م	ذ	ق	غ
ر	ت	ش	چ	ه	ز	م	ح	ط	د	ث
ی	د	ق	چ	ل	ک	و	ت	ج	ر	پ
ح	ک	غ	خ	ب	ز	و	م	ع	ث	د
ر	ر	پ	ت	ژ	ی	ا	ق	ع	ف	ظ

□ انتخاب □ امتحان □ تقدیر □ توکل □ حمزه □ مهدی □ قدر □ شتر □ عمو □ صبر

🔍 هفت تفاوت را پیدا کن

چیزی کم است، بزرگ‌تر، کوچک‌تر، چرخیده یا جابه‌جا شده.

